

اطلاعاتی راجع به گنبد نظام الملک در مسجد جامع اصفهان

نوشته همپندسی معمار اوژنیو گالدیری
سرپرست تعمیرات مسجد جامع اصفهان

نظر اصلی در این نوشته آنست تا رابطه اصولی و اساسی که این قسمت را به قسمت‌های دیگر مسجد ارتباط می‌دهد روشن سازیم و این امر موقعیتی بدست می‌دهد تا از کشفیاتی سخن گفته شود که تاکنون مطلبی راجع به آن منتشر نشده است، کشفیاتی که همه چهارچوب گنبد نظام الملک بدست آمده است. این کشفیات که اکنون از آن سخن خواهیم گفت به روشن شدن مطالب بسیاری درباره بنای نمونه‌ای که سرمشق بسیاری از ایتیه زمان سلجوقی در ایران بوده کمک فراوان

که باید بیشتر روشن شود. در عرض این دو سال که از اقامت من در اصفهان می‌گذرد این امکان را پیدا کرده‌ام تا راجع به پاره‌ای از مطالب که اظهار داشته بودم اعتقاد بیشتری پیدا کنم. این مطلب را در نوشته اول خود ذکر کرده بودم^۲ و در مقاله دوم نیز مورد تأیید قرار گرفت^۳ ولی همواره باختصار از آن صحبت شده بود چون در نظر نبود که مطالب آنطور سنگین و دراز شود که از حوصله خواننده بیرون باشد. بنابراین موضوع این مقاله باز مربوط به گنبد نظام الملک میشود.

اکنون که چند سال از انتشار دومین مطلب راجع به مسجد جامع اصفهان می‌گذرد بنظر میرسد بی‌مناسب نباشد یکی از موضوع‌های مربوط به نوشته‌های قبلی را که بطور اختصار از آن صحبت شده بود مجدداً پیش کشیده و مورد مطالعه دقیق‌تر و مفصل‌تر قرار دهیم. بیش از دو سال است که در قسمت مختلف این مسجد به مطالعه و کاوش پرداخته‌ام و در نتیجه موفق شده‌ام اطلاعاتی راجع به مراحل مختلف ساختمان این مسجد بدست آورم. ولی اعتقاد دارم هنوز مطالبی هست

۲-

Cf. Galdieri E. *Isfāhān: Masjid-Gum'a*
-1- Documentation et rapport préliminaire,
Rome, 1972. p. 365 (375) et fig. 8b.

۳-

Cf. Galdieri E. *Isfāhān Masjid-i*
Gum'a -2- La période Buyide, Rome, 1973 pp.
13(34) 15(37) note 19 et fig. 10.

۱- دوستان ایرانی من مانند دکتر ورجاوند و

دکتر تجویدی دوستانه از من خواستند که این کار را انجام دهم. این موقعیت هنگامی پیش آمد که دکتر ورجاوند از سوی سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران مأموریت داشت تا در اصفهان سمیناری ترتیب دهد که موضوع حفظ و مرمت بناهای تاریخی را مطالعه نمایند.

FIRST PERIOD █████ ORTOKID ALPI
 SECOND ▨▨▨▨▨ AYYŪBID GHĀZI 624 A.H.
 THIRD ▩▩▩▩▩ PROBABLY 16TH CENTURY
 UNKNOWN REPAIRS ▧▧▧▧▧

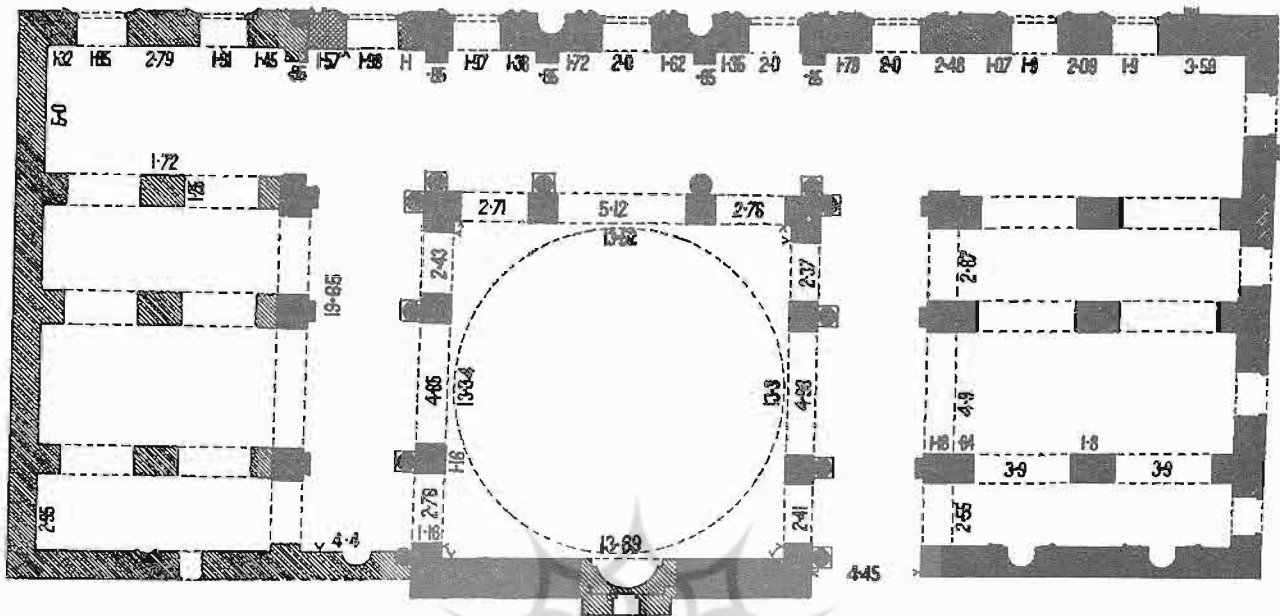


FIG. 92. MAYYĀFĀRIQIN: ORTUQID MOSQUE, plan. (From Gertrude Bell, *op. cit.*)

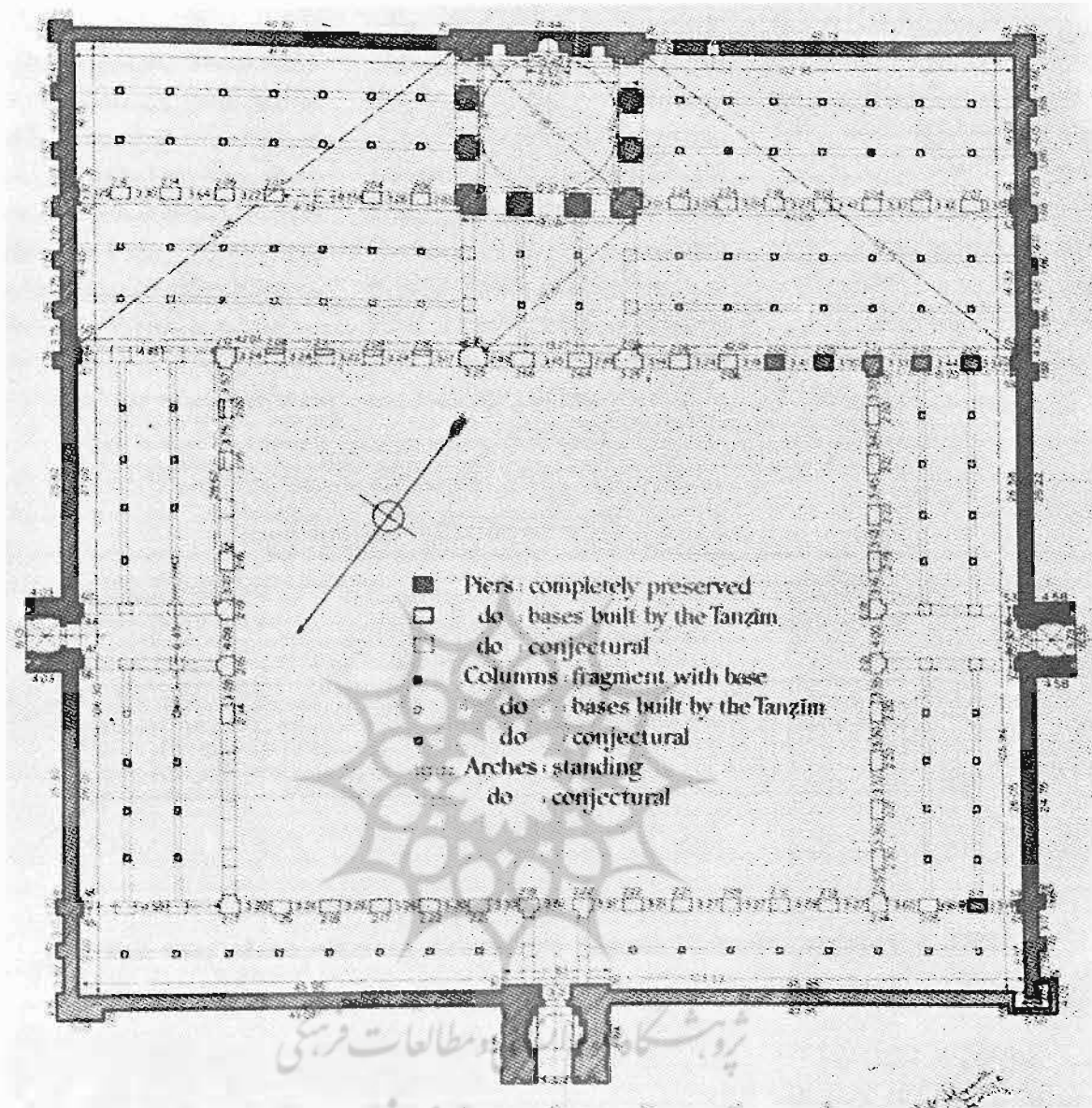
FIG. 1- La Mosquée de Salah al-Din à Mayyāfārikin (Bell G., The Palace and Masque at Ukhaidir).

عکس ۱- مسجد صلاح‌الدین در «میافارقین»

و دهه‌ها تن دیگر از دانشمندان مانند د. ویلبروا. اتینگهاوزن را که خوشبختانه بیشتر آنها هنوز مشغول کارند نیز نباید فراموش کرد. عده دیگری نیز در این دوران‌های جدیدتر به آنها اضافه شده‌اند و به مطالعه هنر ساختمانی دوران اسلامی در ایران پرداخته‌اند. باین طریق پس از فاصله‌درازی که از مطالعات پاسکال کوستوم. دیولافوآ گذشت، مجدداً با تأسیس نمایشگاه فیلادلفی در سال ۱۹۲۶ که سازنده آن «پوپ» بوده بررسی هنر ایران مورد توجه فوق‌العاده قرار گرفت. همین علاقه

هنر، معماران، زبان‌شناسان، شرق‌شناسان و درکنار آنها دانش‌پژوهان ساده برای مطالعه آثار قدیم این کشور دست بدست هم‌دیگر داده بودند. نام بیشتر آنها را خوب می‌شناسیم: آ. و. پوپ، سواژه، گابریل، گدار، مارسه، کومب، ویت، فلوی، مینوی، دیز. این نامها یادآور زمانی سحرآمیز و بسیار مهم در تاریخ ایران جدید هستند، زمانی که از بعضی جنبه‌ها در حال تجدید شدن است. تا ما اشخاص دیگری مانند م.ب. اسمیت، و. مونره، دوویلارر، ا. بدوش، ا. شرورد، ماکسیم سیرو،

خواهد کرد. برای اینکه مطلب بهتر فهمیده شود و به اهمیت آن بیشتر پی‌برده شود، جا دارد تا به چهل سال پیش، هنگامی که برای نخستین بار این بنا مورد مطالعه قرار گرفت بازگردیم. در آن هنگام باستان‌شناسان بزرگ جهان بار دیگر متوجه اهمیت ایران و خصوصاً بناهای پرشکوه قدیم این سرزمین شده بودند. ولی مطالعه این بناها از دو دیدگاه مورد مطالعه قرار گرفته بود: این زمانی بود که ناگهان باستان‌شناسان و تاریخ‌نویسان، منتقدان



پژوهشگاه ایران و مطالعات عربی
 رتال جامع علوم انسانی

۴- مسجد یبرس در قاهره

FIG. 2- La Mosquée de Baybars au Caire (Creswell, K.A.C., Egyptian Muslim Architecture)

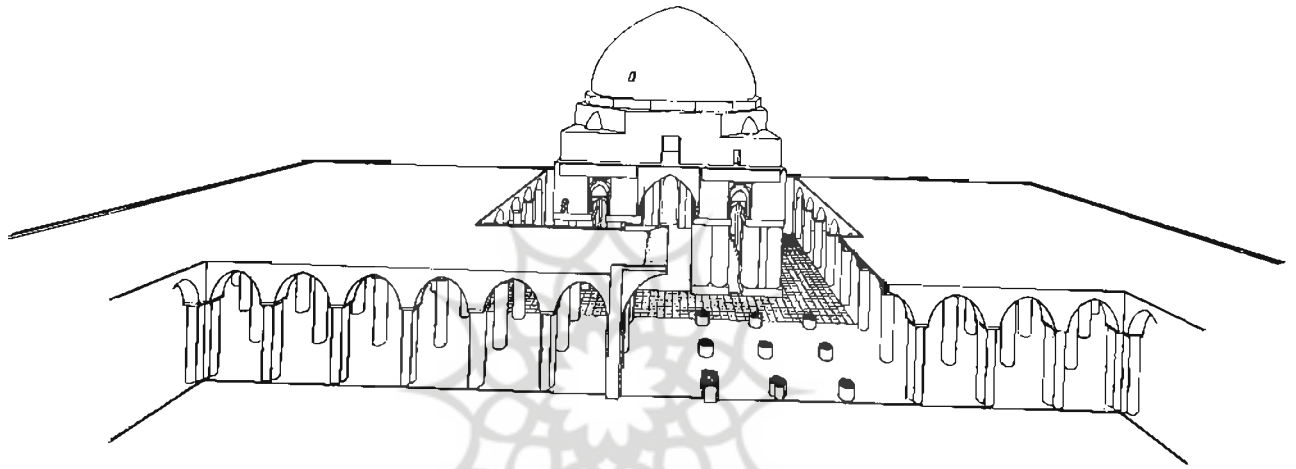
زمینه هنر ساختمانی ایران بعمل آمد. چند سال بعد
 «برای نخستین بار در ماه نوامبر ۱۹۲۶ مطالعاتی در
 دومین کنگره بین‌المللی هنر و باستان‌شناسی ایران
 بوسیله انستیتوی آمریکایی برای هنر و باستان‌شناسی
 ایران بین ماه ژانویه و مارس ۱۹۳۱ با نمایشگاهی
 راجع بهمین موضوع ترتیب یافت.

۴- Cf. Les textes célèbres: Coste P.,
 Monuments de la Perse Moderne, Paris, 1886;
 Dieulafoy J., La Perse, la Chaldée et la
 Susiane, Paris 1887,
 ۵- در نمایشگاه «موریال هال در فیلادلفی

به مطالعه ساختمان‌های موجود از زمان‌های قدیم موجب شد که دولت ایران بفکر تعمیر و حفظ آن آثار بیافتد. برای نخستین بار در تاریخ معاصر تنها به بررسی آثار کهن پرداختند، بلکه به حفظ و مرمت آن نیز کمر بستند. در ضمن همین تعمیرات بود که به اصول اساسی ساختمان این آثار نیز پی بردند. ده‌ها مقاله و شاید صدها انتشارات دیگر راجع به مطالعه این

پیشین باستان‌شناسی ایران دست به تألیف آن زده است. مدت ۲۵ سال آندره‌گدار این کار بسیار مشکل را با صداقت و فداکاری مخصوصی برعهده گرفت و از عهده انجام آن بخوبی، برآمد. وی بیشتر آثار تاریخی ایران را تحت بررسی دقیق قرار داد. اکنون پس از ذکر این مقدمه به نسبت طولانی به بررسی اصل موضوع این مقاله میپردازم. در واقع در اواخر سال ۱۹۳۸،

«ژ. سوآژه» نیز همراه او بود. وی پس از این مطالعه اظهار داشت که در این مکان قبلاً در زمان خلفای عباسی مسجدی ساخته شده بود و سپس در زمان جدیدتری مسجد زمان سلجوقی و بخصوص تالار گنبددار ملکشاه با محراب اصلی در روی آن برپا میگردد.
۲- آندره‌گدار «مساجد قدیم ایران» در آثار ایران مجله اول سال ۱۹۳۶.



۴- اصفهان، مسجد جامع، منظره عمومی قسمت جنوبی پس از بنای گنبد نظام‌الملک.
FIG. 4- Esfahan, Masgid-i Gum'a: perspective générale de la zone Sud, après la construction de l'édifice à coupole.

بناها، تئوری‌های ساختمانی و اصول معماری و تحول تدریجی آن، تغییر سبک‌ها و ارتباطشان با یکدیگر همه و همه نتیجه انجام این تحقیقات علمی است. در اینجا ما نام دو اثر مهم را که در این سال‌ها تهیه و منتشر شده و هنوز هم پایه و اساس هر مطالعه و بررسی مربوط به هنر-های مختلف ایران است یاد میکنیم. این دو اثر عبارتند از نخست کتاب «سوروی» تألیف «پوپ» که با همکاری عده‌ای از دانشمندان درجه اول انجام گرفته و دیگری «آثار ایران» که آندره‌گدار هنگامی که مدیرکل

یعنی مدتی پس از اینکه تعمیرات اساسی در مسجد جامع اصفهان انجام گرفته بود، سه نفر از دانشمندان عالیقدر راجع به پایه و ریشه این ساختمان و مراحل مختلف تکمیل آن و روابطش با ساختمان‌های پیشین طرف توجه قرار دادند. در نتیجه این مطالعه سه فرضیه بوجود آمد:

۱- گابریل (مسجد جامع اصفهان در مجله «آر ایس لامیکا»، سال ۱۹۳۵ مجلد دوم) این دانشمند دو هفته در محل اقامت کرد و تاریخ‌نویس و زبان‌شناس مانند

وی عقیده خود را در ضمن مطالعات و انتشارات متعدد و همگام با تعمیرات و عملیات حفاظتی تا آخرین اثر خود بنام «هنر ایران» (پاریس ۱۹۶۳) بیان نموده است. وی این مطلب را نپذیرفته است که مسجد کنونی منحصراً روی مسجد زمان خلفای عباسی بنا شده باشد. وی اینطور فکر میکند که تالار گنبددار ملکشاه بصورت بنای مجزایی روی زمین ساخته شده است که در آن زمان صاف و فاقد ساختمان بوده است و آثاری از بنای قدیمی در روی آن وجود نداشته است. بعقیده

او این تالار گنبددار مانند کوشکی برپا شده و بعد بقیه ساختمان‌هایی که اکنون در این مسجد دیده میشود در اطراف آن ساخته شده است.^۷

۳- ژان سوآژه: «ملاحظاتی راجع به چند مسجد دوران سلجوقی»، سالنامه انتستیتوی مطالعات شرقی مجلد چهارم ۱۹۳۸ ص. ۸۱-۱۲۰. مطالعات وی نتیجه مشاهدات کوتاه او است که در رساله ۱۹۳۴ با اتفاق گابریل درباره طرح پاره‌ای از ساختمان‌ها بعمل آورده است. این دانشمند با «گابریل در این نظر موافق است که این تالار در زمان سلجوقیان به مسجد اضافه شده است ولی بنظر او این پیوند در همان بافت مسجد قدیمی انجام گرفته است. یعنی همان مسجدی که در زمان خلفای عباسی برپا شده بود دوبار تعمیر شد و تغییراتی پیدا کرد (۲۹۵-۳۲۰ هجری). سپس در دوران معتصم (۲۱۸-۲۲۷ هجری) نیز اصلاحاتی در آن بعمل می‌آید.

بنابراین وی تالار گنبددار را بصورت پیوندی بمسجد قدیمی معرفی مینماید و فکر میکند در آن موقع بقیه قسمت‌های مسجد نیز برپا بوده‌اند و برای نشان دادن نمونه‌های دیگر از این قبیل بنای «میافارقین» را نام میبرد.^۸ در واقع در این مسجد تالار گنبددار که شامل محراب اصلی است و بقیه تالارهایی که در اطراف آن قرار دارند و در زمان‌های مختلف ساخته شده‌اند در قالب همان مسجد اصلی بنا شده‌اند. در واقع تطبیق مکان پایه‌های تالار گنبددار با پایه‌های ساختمان اطراف آن این مطلب را تأیید مینماید.^۹ شکل اول، علاوه «سوآژه» فرضیه گذار را رد میکند که تالار گنبددار بصورت کوشک مجزایی ساخته شده باشد. وی تصور مینماید که هنگام بنای تالار گنبددار بقیه قسمت‌های مسجد قدیمی برپا بوده‌اند و تشریفات مذهبی در آن انجام می‌گرفته است. وی اضافه

مینماید که تالاری چون گنبد نظام‌الملک با حجم قابل توجه و ظرافتی که در ساختمانش بکار رفته نمیتوانسته است بصورت یک مسجد مجزا ساخته شده باشد زیرا در این صورت نمیتوانسته است بیش از دویست نفر را جای دهد، و این برای ساختمانی کهن چون مسجد جامع اصفهان بعید بنظر میرسد. بخصوص که در ناحیه‌ای قرار گرفته است که جمعیت زیاد داشته و شهر اصفهان نیز پایتخت یکی از نیرومندترین حکومت‌های ایران بوده است. «سوآژه» به فرضیه دیگری اعتقاد دارد که امروز در نتیجه مطالعات دقیق‌تر میتواند مورد قبول واقع گردد. او فکر میکند که تالار گنبددار ملکشاه بصورت مقصوره‌ای بوده است که در موارد رسمی بکار میرفته است و فقط اعیان و اشراف به آن راه داشته‌اند و نماز جماعت را در آن بجای می‌آورده‌اند و از بقیه مردم جدا

۶- اینجا من از بکار بردن کلمه بازسازی خودداری مینمایم چون منظور ما فقط تعمیر است نه بازسازی.

سابقاً شرایطی وجود نداشت که این کار بسهولت انجام گیرد ولی اکنون این شرایط بوجود آمده است. شکی نیست که کارهای مرمتی که بین سال‌های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ انجام گرفته (علی‌الرغم آنکه در جریان آن بسیاری از نشانه‌ها و شواهد دقیق بخصوص در بناهای کوچک از میان برده شد) به حفظ آثاری که در حال انهدام بودند کمک بسیار کرده است.

۷- بنظر منطقی میرسد که هیچیک از قسمت‌های موجود این مسجد متعلق به دوران پیش از سلجوقی نیست. راجع به فرضیه مسجد - کوشک مانند به یاد داشت شماره ۱۲ مراجعه شود.

۸-

Cf: Bell G. Palace and Mosque at Ukhaidir, Oxford, 1914 pp. 159-160 et tableau LXXXXIV - XCII, XCIII.

۹- ساختمانی که در مرکز قرار دارد و بنام صلاح‌الدین معروف است در واقع در تاریخ ۵۴۷ هجری ساخته شده. قسمت‌های دیگری که در اطراف تالار گنبددار برپا شده‌اند با طرح اصلی مطابقت ندارند. مسئله تاریخ پوشش راهروی اطراف تالار نیز هنوز روشن نشده است. در تاریخ ۱۹۴۰ گابریل در یادداشتی بنام

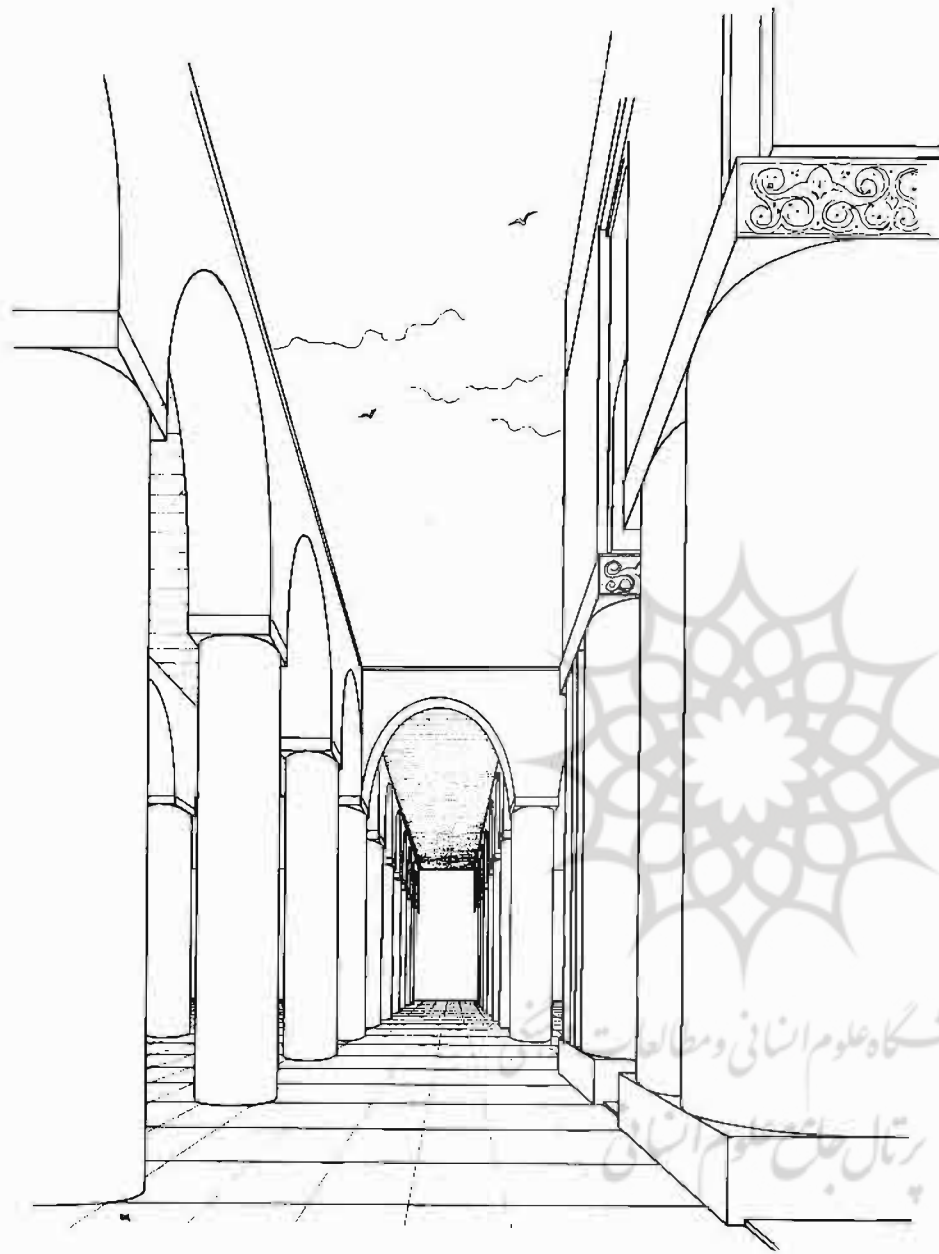
Voyages archéologiques dans la Turquie Orientale pp. 221-8.

این موضوع را مجدداً تحت مطالعه قرار میدهد. وی این بنا را با بنای دیگری که بعد از آن تاریخ در مصر برپا شده مقایسه مینماید. در ضمن این مطالعه به روشنی نشان میدهد که در بنای مصری نیز مانند مسجد جامع اصفهان تالار گنبددار در نتیجه ادامه محورهای بنا به بقیه ساختمان اتصال پیدا کرده است. با این فرق که در مصر در مرحله دوم بناهای اطراف تالار گنبددار آنرا محصور میکنند و در اصفهان برعکس است.

بوده‌اند. (کتاب نامبرده ص ۸۴۰)
 (۱۰). بنا بر گفته وی گنبد
 تاج‌الملک در شمال صحن مسجد نیز
 مکانی بوده است که سلطان لحظه‌ای
 پیش‌از شروع انجام مراسم مذهبی
 در آن استراحت میکرده، لباسش را
 عوض میکرده و ضمناً باره‌ام میداده
 است (کتاب نامبرده در بالا ص ۹۸۰).
 ما این سه فرضیه را معرفی
 کردیم، اکنون هر یک از آنها را از
 نزدیک بررسی مینماییم. آنچه که
 مربوط به گنبد جنوبی است (۱۱)
 میتوان آنرا با نتیجه کاوش‌های
 اخیر که من در سال‌های ۱۹۷۱ تا
 ۱۹۷۴ در آن انجام داده‌ام مقایسه
 کرد.

این امر اکنون مسلم شده‌است
 که تالار گنبددار در ساختمان
 وسیع‌تری بنا شده است مطلبی که
 با فرضیه «گابریل» و «سوآژه»
 تطبیق مینماید و در نتیجه نظریه
 گذار را رد میسازد^{۱۲}. من قبلاً نشان
 دادم^{۱۳} که در اینجا یک شبکه منظم
 پایه‌های استوانه‌ای شکل که با گل
 خام ساخته شده و رنگ آنها قرمز و
 ضخامتشان زیاد است و تاریخ
 ساختمانشان بین ۷۴۰ و ۸۴۰
 میلادی میباشد قرار دارد. این شبکه
 را دیوار مستطیل‌شکلی از خشت خام
 بدون فرورفتگی یا پیش‌آمدگی
 محصور ساخته بود. در طرف مغرب
 تعدادی طاق‌ها این حصار را زینت
 میداد که روی آنها را با کاه‌گل
 پوشانده بودند^{۱۴}.

امروز ما میدانیم که در زمانی
 که تقریباً همزمان با اواخر قرن دهم
 میلادی است، یعنی زمان حکومت
 آل بویه در ایران، این مسجد وسعت
 پیدا کرد. مثلاً در داخل صحن یک
 ردیف پایه‌هایی با طرح دندان‌های با
 تزیینات مخصوص ساخته شد که با
 پایه‌های استوانه‌ای دوران عباسی

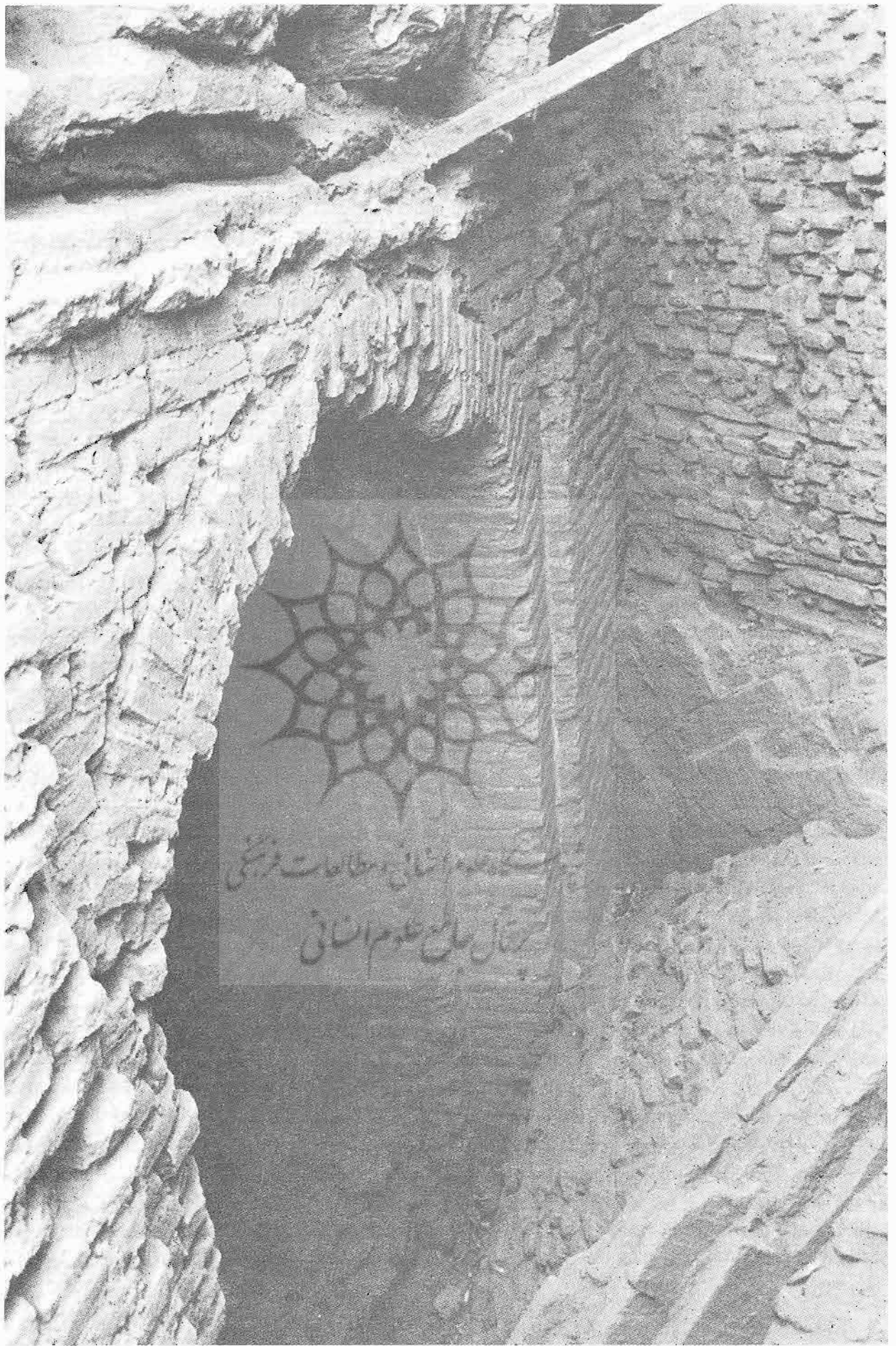


۵- اصفهان، مسجد جامع، منظره عمومی راهروی اطراف تالار گنبددار بین شبستان و بقیه ساختمان مسجد، دید از غرب بطرف شرق.

۶- اصفهان، مسجد جامع، قسمت‌هایی از نمای تالار گنبددار بطرف صحن که تاکنون به سبب اضافاتی که به آن شده بود از دید پنهان مانده بود.

FIG. 5- Esfahan, Masgid-i Gum'a: Vue perspective d'ouest vers Est de l'ambulacrum entre l'édifice à coupole et le reste de la mosquée.

FIG. 6- Esfahan, Masgid-i Gum'a: parties de la façade de l'édifice à coupole, donnant sur la cour; jusqu'ici cachées par les adjonctions ultérieures que l'on aperçoit à droite. (NEG. L 10567/30)



مقام آستان قدس رضوی
سازمان باستانشناسی

اختلاف زیاد داشت ۱۵.

در عهد سلجوقیان (۴۴۲ - هجری) ابتدا مسجدی در این مکان وجود داشت که بسیار بزرگ بود و چندین بار در آن تعمیرات و تغییراتی، بخصوص در دوران آل بویه، انجام گرفته بود. در آن موقع شبستان اصلی، یعنی قسمتی که محراب دارد و بطرف قبله است، شامل تعداد زیادی پایه یا ستون بود که شکل استوانه‌ای داشتند (بطور دقیق $۱۲۶ = ۱۸ \times ۷$ عدد) و ۱۹ ناو عمود برنمای بنا (ناو مرکزی از ناوهای دیگر عریض‌تر بود) و هفت ناو به موازات دیوار قبله را تشکیل میدادند. (شکل ۳). با احتمال هنگام فتح اصفهان در عهد ملکشاه (یعنی بین سال‌های ۱۰۵۰ و ۱۰۷۲ میلادی) هیچ ساختمان مهمی در این مسجد انجام نگرفته است. وزیر ملکشاه، نظام‌الملک تصمیم گرفت گنبدی را بسازد که بنام او معروف شده است. احتمال دارد همانطور که «سواژه» اظهار داشته است این تالار مقصوره‌ای بوده باشد.

در این موقع احتمالاً ناچار شده‌اند چند ستون از تالار شبستان را خراب کنند، بطور دقیق‌تر ۲۴ ستون. دیوار قبله در این ساختمان جدید تقریباً با دیوار انتهای مسجد قدیم که در قرن نهم یا دهم میلادی (سوم یا چهارم، مجری) ساخته شده بود تطبیق میکرد.

تالار گنبددار اینطور ساخته شده بود که جز از دو طرف دیواری که بسوی قبله قرار داشت از دیگر جهت‌ها آزاد باشد. بنای این تالار بدون اینکه با مسجد قبلی اتصال داشته باشد بطور کامل مجزی بود در واقع میتوانیم اضافه کنیم که اطراف تالار گنبددار کاملاً باز بود و امکان داشت آنرا دور بزنند (از

طرف مغرب، شمال و مشرق) نقشه - های شماره ۵۴ و ۵۵). این يك نوع راهرویی را تشکیل میداد که عرض آن کمی زیاده‌تر از عرض ناوهای دیگر بود (۴ مترو نیم بجای ۳ مترو نیم).

سپس در اواخر قرن ۱۴ میلادی (۸ هجری) برای اینکه مسجد را به مقصوره متصل کنند این باصطلاح راهرو را پوشاندند و بهرحال این کار بعد از ساختمان ایوان جنوبی اتفاق افتاد. دالان یا راهرویی که در حال حاضر در طرف مغرب این تالار قرار دارد میتواند نمونه‌ای از این تعمیر قرن ۱۶ باشد بدون اینکه بگوییم که کاملاً با آن تطبیق میکند. راهروی دیگری که اکنون در طرف مشرق تالار قرار دارد از دوران صفوی است و برای این ساخته شده است که پس از اینکه سقف آن شبستان خراب شد آنرا تعمیر کرده‌اند. ما اکنون مطالب بالا را با دقت بیشتری در جزئیات، در زیر مورد بحث قرار میدهیم:

الف) پیش از ساختمان تالار

گنبددار در طرف جنوب مسجد شبستانی قرار داشت که سقف آن بر روی تعداد زیادی ستون استوانه‌ای شکل حمل میگردد. این ادعا نتیجه کاوش‌هایی است که در چهار فصل زیر در این مکان انجام گرفته است: (ژوئن - دسامبر ۱۹۷۰، اکتبر - دسامبر ۱۹۷۱، مه - ژوئن ۱۹۷۲، اکتبر - دسامبر ۱۹۷۲).

تقریباً در ۵۰ نقطه آثار این پایه‌ها که از هم ۴ متر و ۳۵ فاصله دارند ۱۷ و قطرشان ۹۰ سانتیمتر است دیده شد. وجود این ستون‌ها را گابریل حدس زده بود و این کاوش‌ها فرضیه او را تأیید مینماید.

ب) ستون‌های خارجی به طرف صحن مسجد در زمان آل بویه اضافه شده‌اند.

در فضای خارج از چهارایوان و خصوصاً در گوشه جنوب شرقی بدون شك تغییری رخ داده است که تاکنون ناشناخته باقی مانده بود. در آنجا يك ردیف ستون به‌اشکال مختلف، دندانه‌دار چهارقلو و سه‌قلو و غیره وجود داشت که معرف سبک مخصوص اواخر قرن چهارم هجری هستند. وضع این چهار ردیف ستون به‌گونه‌ای بود که به طرف صحن حیاط متوجه بودند و بدون شك بمداز زمان خلفای عباسی ولی پیش از تعمیرات سلجوقی در آنجا ساخته شده بودند.

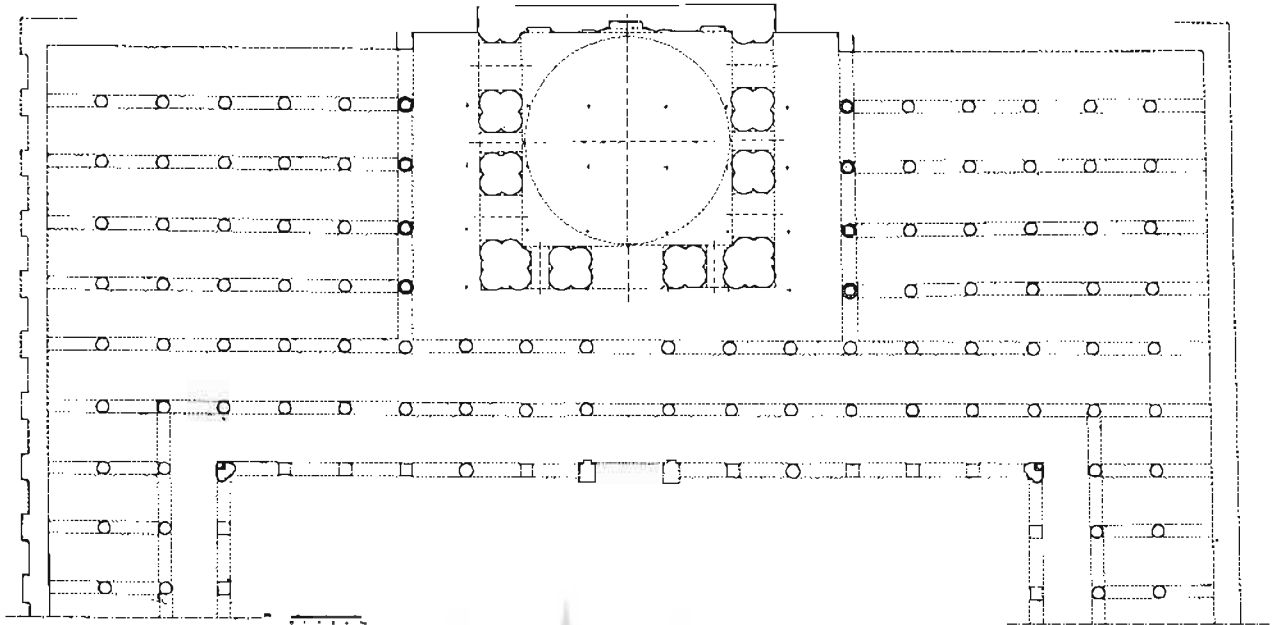
پ) برای ساختمان تالار گنبد

دار ناچار شده‌اند ۲۴ ستون را خراب کنند. این مطلبی است که من در نخستین مقاله خود در تاریخ دسامبر ۱۹۷۰ بیان کردم و بر اثر بررسی‌های انجام شده اطمینان پیدا کردم که آثاری که از زیر خاک بیرون میاید باقی مانده ستون‌هایی است که هنگام ساختمان تالار گنبددار خراب شده است. کشف پایه‌های این ستون‌ها باشکبه ستون - های عباسی حتی در داخل تالار گنبددار تطبیق میکرد و تا ایوان مقابل تالار ادامه می‌یافت. این نشان میدهد که این ستون‌ها حتی تا داخل مکانی که بعدها تالار گنبددار را روی آن ساختند ادامه می‌یافته است.

د) تالار گنبددار طوری ساخته

شده بود که از چهار طرف مجزی و مستقل باشد.

من قبلاً گفتم که در آنجا کتیبه‌ای از آیات قرآن روی سرستون گوشه شمال شرقی ۱۸ پیدا کردم. این نشان



۹- اصفهان، مسجد جامع، طرح منطقه جنوبی پس از ساختمان تالار گنبددار نظام‌الملک (رجوع کنید به شکل ۳ و ۴).

FIG. 9- Esfahan, Masgid-i Gum'a: Plan de la zone Sud (voir figs. 3 et 4) après la construction de l'édifice à coupole de Nizam al-Mulk.

۱۳- نتایج تحقیقات سمپوزیوم تحقیقات باستان-شناسی ایران ۱۹۷۳، مسجد جامع ایران در مجله «ایران» که بوسیله مؤسسه باستان‌شناسی بریتانیا چاپ میشود، و فرهنگ معماری ایران شماره اول ۱۹۷۵ صفحات ۱۱-۱۹.

Voir Galdieri E. An Architectural facade of III century H, AARP, London 1974, pp. 24-34.

۱۵-

Voir Galdieri E., Isfahān, Masgid-i Gum'a, 2, pp. 8-13 30-34 et figs. 7, 8, 9 de 34 à 45n de 50 à 52, de 56 à 59.

۱۶- قسمت‌هایی که در زمان آل‌بویه ساخته شده منحصر به چها رنمای داخلی صحن نیست بلکه به تغییرات و اضافات مغرب‌مسجد نیز مربوط میشود.
۱۷- احتمالاً اندازه دقیق ۴۳۲ متر میباشد که مطابق هشت برابر آرنج است که در مسجد ابن‌طولون نیز همین اندازه بکار برده شده است. مطالعه این ساختمان‌ها از جهت اندازه‌ها بسیار جالب بنظر میرسد.

۱۰- راجع به فرضیه «سواژه» مربوط به مقصوره بودن این تالار مراجعه کنید به:

Sauvaget: La Mosquée Oméyade de Medine, Paris 1947, p. 150.

«دیز» نیز قبلاً چنین فرضیه‌ای را اظهار داشته بود. در واقع در بالای مقصورهای عربی همیشه یک گنبد قرار میداده‌اند. مراجعه کنید به دائرة‌المعارف اسلامی کلمه مقصوره.

۱۱- پروفیسور «شراتو» و من هر دو از جهات مختلفی (ویژه‌گیهای ساختمانی - تزیینات - تناسبات و کاربرد) گنبد تاج‌الملک را تحت بررسی قرار داده‌ایم. «گابریل» خیال میکرد که این گنبد شامل کتابخانه یا حوضخانه‌ای بوده است ولی «سواژه» فکر میکند که محل پذیرائی سلطان بوده است.

۱۲- درباره فرضیه مسجد - کوشک مانند بودن این تالار که «گذار» آنرا اظهار داشته بعد از «سواژه» متخصصان برجسته دیگری چون: «کرسول» و «سوردل تومین» نیز مخالفت خود را ابراز داشته‌اند که در متن فرانسه یادداشتها نام مقاله‌های آنها عیناً داده شده است.

باشد بین تالار گنبددار و ساختمان قبلی مطابقتی از حیث طرح بنا بوجود آمده باشد. برعکس طرح موجود اینطور نشان میدهد که بهیچ وجه کوشش نشده است تناسبی بین ساختمان قدیم و تالار گنبددار بوجود آید. باوجود ظاهر قرینه سازی موجود، طرح ۱۰ و ۱۱ نشان میدهد که در ایجاب چنین تقارنی اصرار نورزیده اند.

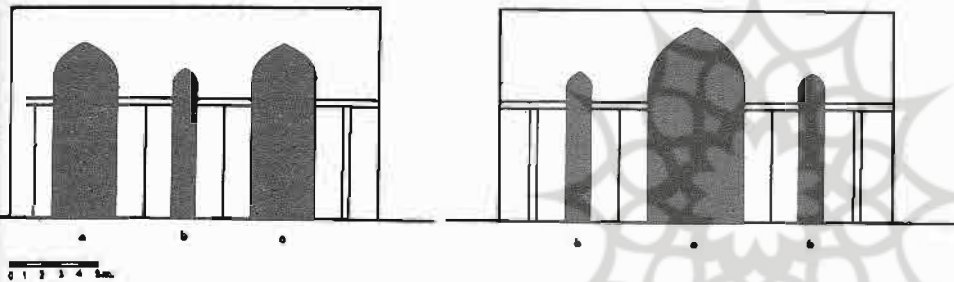
تغییر ستونهای قسمت غربی در زمانهای بعد انجام گرفت. این

بنظر میرسد مناسب باشد تا دلایل مشخص خود را که حاصل بررسی های فردی است در چهار قسمت بشرح زیر بیان دارد:

۱- نبودن ارتباط در طرح مجموع ساختمان: ستون های بزرگ شیستان ستون دار باشکله ستون های دوران عباسی تطبیق نمیکند. اگر توجیهی به طرح شماره (۹) بشود دیده میشود که محورهای اصلی ستون های ساختمان نظام الملک یا محور قبلی تطبیق

میدهد که نمای شمالی، یعنی آن طرفی که مقابل صحن مسجد بود، از خارج دیده میشود. تحقیقات دیگری که در ضمن سال ۱۹۷۴ بعمل آورده بمن اجازه داد بیش از ۸۰ درصد قسمت فوقانی سه نمای اصلی را روشن نمایم ۱۹، نماهایی که مدت چندین قرن به سبب وجود ایوان و ساختمان الحاقی دیگر پوشیده مانده بودند. مقصود من از قسمت های فوقانی تمام نمایی است که بین ۶ متر و نیم (یعنی هم سطح سرستون ها) و ۱۱ متر ارتفاع ساختمان کنونی قرار داشته اند. تمام قسمتی که در بالای این ارتفاع قرار گرفته بود حجمی بود که برای حفظ تعادل بنا لازم بنظر میرسید ولی چون دیده نمیشد از تزیین آن خودداری کرده بودند ۲۰. فاصله بین نمای اصلی (نمای تزیینی بنا) و حجم استخوان بندی اصلی بنا، نظیر آنچه که در بیشتر بناهای عهد سلجوقی دیده میشود پلکانی قرار دارد شبیه یک بالکون کوچک بمرض ۶۰ سانتیمتر که در سه سمت بنا میگردد و از آن برای تعمیر بنا استفاده میکردند. من راجع به این بالکن کوچک بعد صحبت خواهم کرد. وجود زینت هایی مرکب از آجر و بندکشی های گچی میان آنها و نقش مهرهای روی بندکشی ها که خوشبختانه در وضع بسیار خوبی محفوظ مانده اند، نشان میدهد که معمار قصد داشته است تا این ساختمان از هر طرف دیده شود (شکل ۶ و ۷). هم اکنون قسمتی از بنا که زینت یافته بطور کامل مشخص است (شکل ۸).

ج) راهرویی که در اطراف تالار گنبددار قرار داشته در ابتدا روباز بوده است.
با توجه به اهمیت این مطلب



۱۰- نمای غربی و شرقی طرح تقسیمات معماری نمای بنا.

۱۱- نمای شمالی تقسیمات معماری نمای بنا.

FIG. 10- façades Est et Ouest (Schéma de partition architecturale des façades)

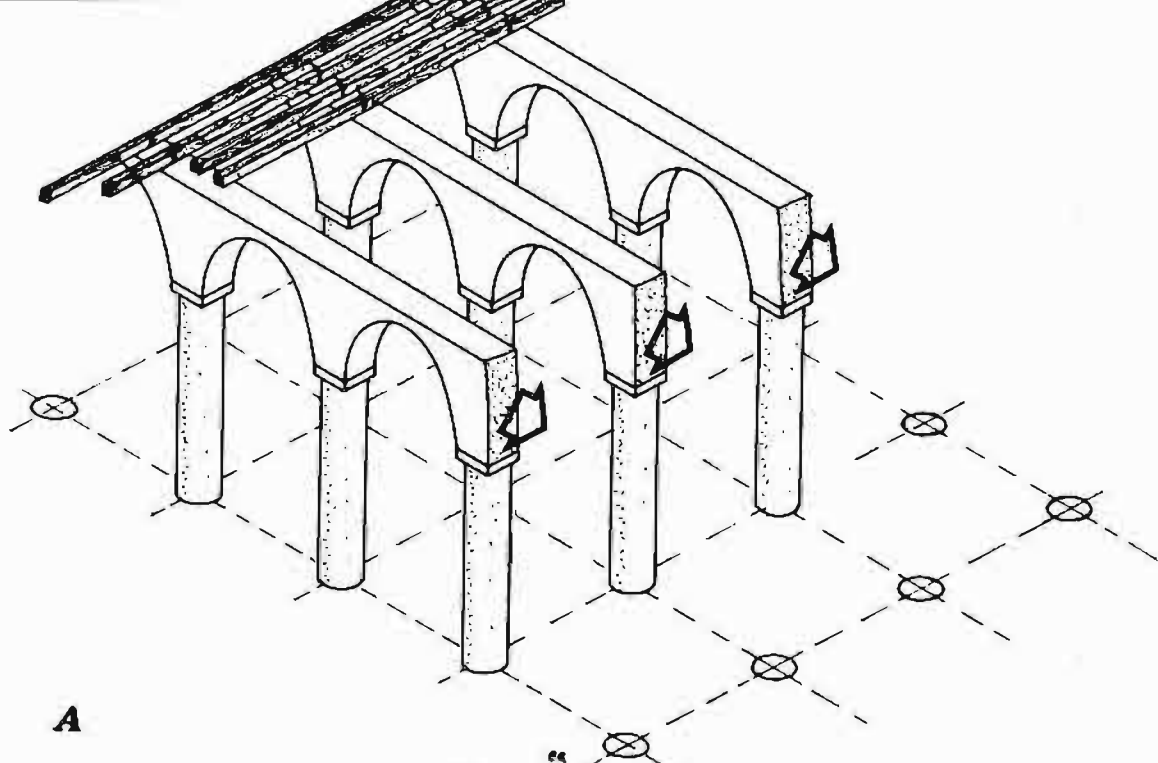
FIG. 11- Façade Nord.

تغییر فقط بمنظور این بود تا اساس پوشش با جدار بنای گنبدی شکل مرتبط گردد ۲۱.

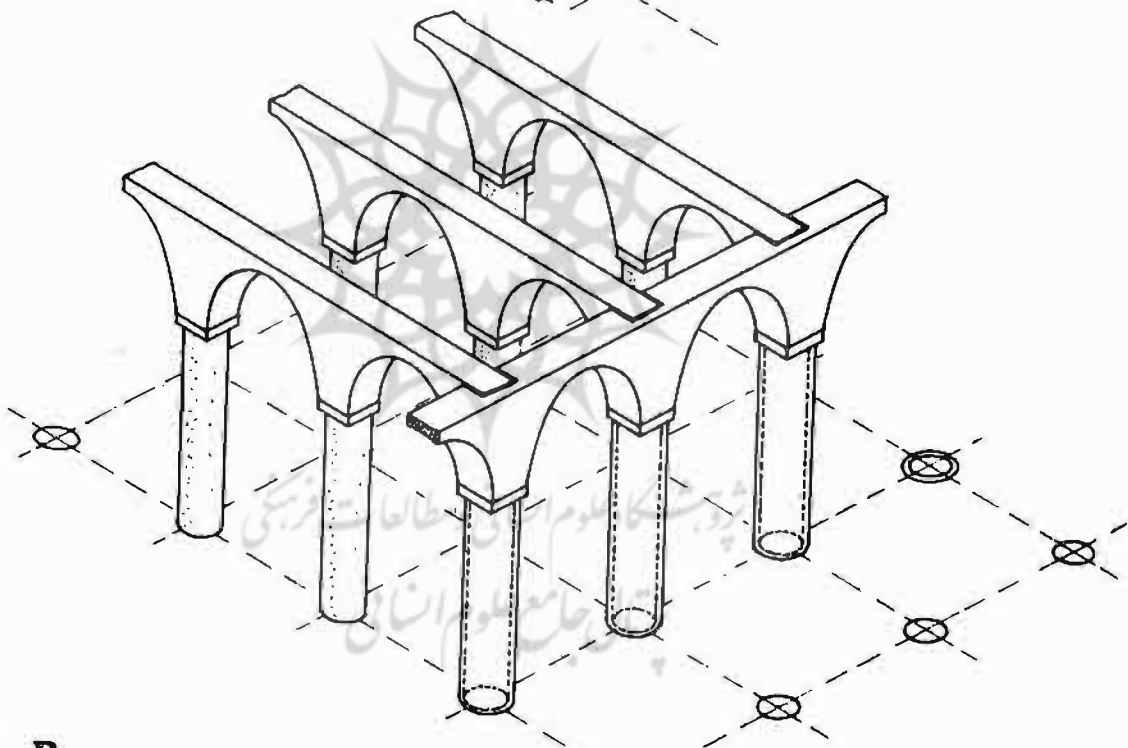
۲- تقویت ستون های آخر:

نتیجه تحقیقات نشان داده است که چهار ستون آجری در طرف مشرق، در کنار تالار گنبددار وجود داشته است. این مطلب را در پیش منتشر ساخته ایم. علت اینکه این ستون ها

نمینماید، ولی ما میدانیم که تالار گنبددار برای این ساخته شده بود تا داخل این شبکه ساختمان ستون دار قرار گیرد. انجام این کار آسان بود ولی ضرورت داشت تا ضوابط لازم برای انطباق آن با بافت پیشین در نظر گرفته شود، نظیر آنچه که در باره «میافارقین» بمسوره اجراء گذارده شده بود. هیچ دلیلی وجود ندارد که نشان دهد کوشش شده



A



B

۱۲-۱۳- مسجد جامع اصفهان، طرح مربوط به نحوه تقویت بنا. در تصویر ۱۲ قوس‌هایی که فاقد تکیه‌گاه لازم می‌باشند در حال کج شدن هستند. در طرح شماره ۱۳ قوس‌ها را بوسیله يك رابط عرضی بهم مرتبط ساخته و برجهم ستون‌های استوانه‌ای بمنظور تقویت بنا نیز افزوده‌اند.

FIG. 12 et 13: Esfahan, Masjid-i Gum'a: axonométrie; l'opération de renforcement. 12, Les arcades, dépourvues de la contrepoussée nécessaire ont tendance à se courber. 13, Les arcades sont liées à l'aide d'une partie transversale et les piliers circulaires sont agrandis.

را با روکش دیگری از آجر پوشانده‌اند این بوده است که هنگام پوشاندن شبستان در زمان سلجوقیان محکم کردن این ستون‌ها لازم بنظر رسیده است. باید توجه داشت که مسجد جامع اصفهان نیز مانند مساجد دیگر آن زمان با سقف افقی پوشیده شده بود^{۲۲}. باید توجه داشت که این سقف افقی بطور مستقیم روی ستون‌ها تکیه‌نمیکرد (ارتفاع این ستون‌ها ۵ متر و ۴۰ سانتیمتر بود) بلکه تیرها و حمل‌های سقف روی یک ردیف قوس که در بالای ستون‌ها ساخته شده بود تکیه می‌کردند. این قوس‌ها موازی

دیوار قبله بودند و با قوس‌های رواقها مطابقتی نداشتند^{۲۳}. اگر این فرضیه را بپذیریم که قوس‌ها در مسجد قدیمی همه موازی با دیوار قبله بوده‌اند^{۲۴}، آنوقت متوجه میشویم که به‌چه سبب ناچار شده‌اند تا ستون‌های اطراف تالار گنبددار را جایجا کنند^{۲۵}. زمانیکه ۲۴ ستون را خراب میکنند تا در محل آن تالار گنبددار را، بسازند متوجه میشوند که برای هشت قوس از ناوها تکیه‌گاهی وجود ندارد (شکل ۱۲-۱۳). اگر سازندگان قصد داشتند رابطه‌ای بین قسمت‌های قدیمی مسجد و قسمت‌های جدید تالار گنبددار

بوجود آورند، (و برای این کار راهروی اطراف تالار گنبددار را پوشانند) احتیاجی به کار دیگری برای استحکام بنا نبود. کافی بود فقط هنگام ادامه کار ساختمانی شمعی در کنار قسمت‌های مورد احتیاج بزنند و همینکه دو قسمت بنا بهم متصل شد این شمعی‌ها را بردارند. ولی همانطور که قبلانیز گفتیم هنگامی که خواستند اطراف تالار گنبددار را پرکنند جنبه زیبایی و تزئینی آنرا نیز از نظر دور نداشتند. کشف ستون (ف ۵)^{۲۶} از نوع قدیم که روی آنرا در زمان صفویه پوشانده و بصورت جرز پهنی در

۱۸-

Cf. Galdieri E., op. cit. 2, page 37-39; fig. 13 et fig. 68.

۱۹- قسمت جنوبی در پشت ساختمان تغییر نیافته

مگر در جزئیات.

۲۰- در دوران تیموری ارتفاع ساختمان‌ها زیاده‌تر میشود. منظور اصلی این است که پوشش خارجی گنبد نه تنها از دور نمایان است بلکه از نزدیک هم میتوان آنرا دید.

۲۱- عقیده «گذار» درباره این امر که تالار نظام‌الملک بر روی هیچ‌گونه واحد معماری قبلی ساخته نشده درست نیست و منشاء آن این است که در آن زمان چند بنای مجزا در قسمت‌های مختلف ایران نظیر گنبد نظام‌الملک مشاهده کرده است. ولی وی گنبد نظام‌الملک را بقدر کافی بررسی نکرده و این اشتباه برایش رخ داده است. کارهای مرمتی که بوسیله آقای شیرازی در سال ۱۹۷۴ از طرف سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران انجام گرفت بسیاری از مطالب مربوط به قسمت‌هایی از ساختمان مسجد را که در اطراف تالار گنبددار است روشن کرد. گروه ایتالیائی که از طرف «ایزمئو» مأموریت یافته نیز در حال حاضر مشغول همین نوع بررسی در اطراف مسجد جامع پرسیان است. با انجام این بررسیها در محل‌های مختلف بدون شك در چند سال آینده باید درباره نظریه‌های موجود درباره ویژه‌گیهای یک دوره مهم از معماری تجدید نظر نمود.

۲۲- در این مورد یادآور میشویم با توجه به آتش-

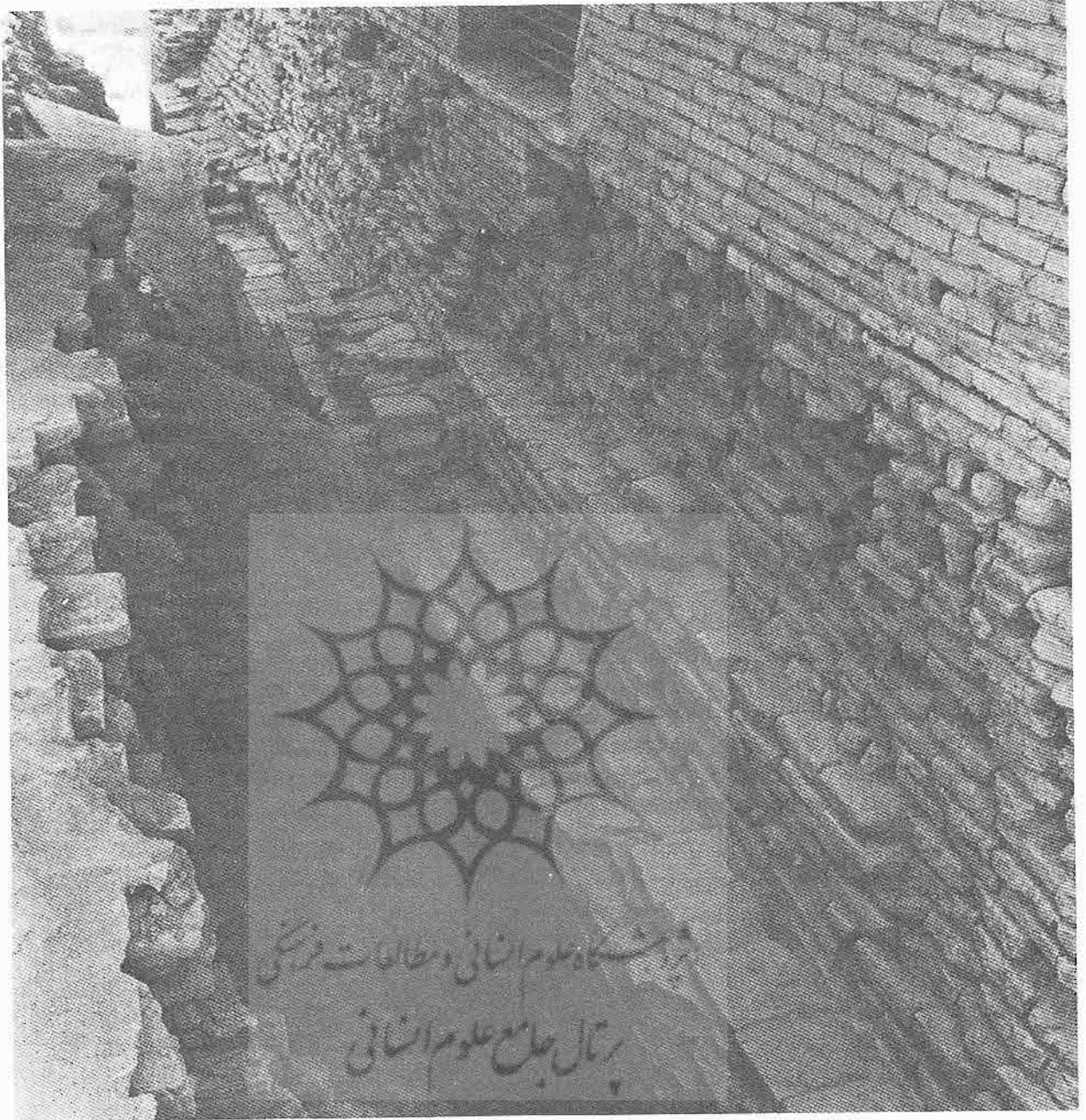
سوزی مهمی که در ۵۱۵ هجری در مسجد رویداده و در سر در شمال شرقی ذکر آن رفته است و هم بموجب نوشته یاقوت در زمینه تجاوز به مسجد در سال ۴۴۲ هجری، میتوان وجود یک نوع پوشش چوبی در این محل تأیید میگردد.

۲۳- نمونه‌های بسیاری از مسجدها را میشناسیم که دیوارهای حمل‌کننده قوسهای داخل شبستان به دیوار قبله و نمای رو به صحن عمود هستند و تکیه کرده‌اند. در این گونه بناها بطور معمول ترجیح داده شده تا پوشش بین دیوار حامل قوسها بوسیله سقف گهواره‌ای شکل صورت پذیرد.

۲۴- بنظر میرسد این فرضیه اینطور تأیید شود که با توجه به شکل و وضع دیوار خشتی بدست آمده در جانب شرقی مسجد، قسمت‌هایی که دارای ضخامت زیاد هستند، یعنی جزوهای واقع میان طاقچه‌های بزرگ در محلی قرار گرفته‌اند که قوسهای عمود بر دیوار قبله بآن فشار وارد می‌آورند. گالدیری کتاب نامبرده در بالا تصویرهای ۴-۵ و ۸.

۲۵- اطلاعات دیگر مربوط به قطع اسکلت قدیمی، تقویت بنا و همچنین جزئیات جدید درباره ساختمان مسجد، موضوعاتی خواهند بود که در گزارش بعدی من در زمینه کارهای مربوط به مرمت این بنا از ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ مورد بحث قرار خواهند گرفت.

۲۶- ستون (ف ۵) را من بیرون نیاورده‌ام. در واقع این ستون از آغاز کار هیأت ایتالیائی دیده میشد.



۱۴- اصفهان، مسجد جامع: قسمت فوقانی شرق تالار گنبددار هنگام عملیات حفاری.

FIG. 14- Esfahan, Masjid-i Gum'a: La partie supérieure du côté Est de l'édifice à coupole, pendant nos sondages - (NEG R 10984/3)

۳- فقدان تناسب از نظر نمای

خارجی: همانطور که در طرح بنا مشاهده میشود در نمای خارجی تالار هیچ اثری از راهروی اصلی دیده نمیشود بطوری که میتوان فرض کرد در عصرهای جدیدتری این راهرو را پوشانده‌اند. قبلاً تذکر دادیم که هنگام اضافه کردن ایوان به تالار گنبددار یک بار در این راهرو تغییراتی داده شده است ۲۸.

برای ساختن ایوان ناچار شدند همانطور که در مورد ساختمان بنای

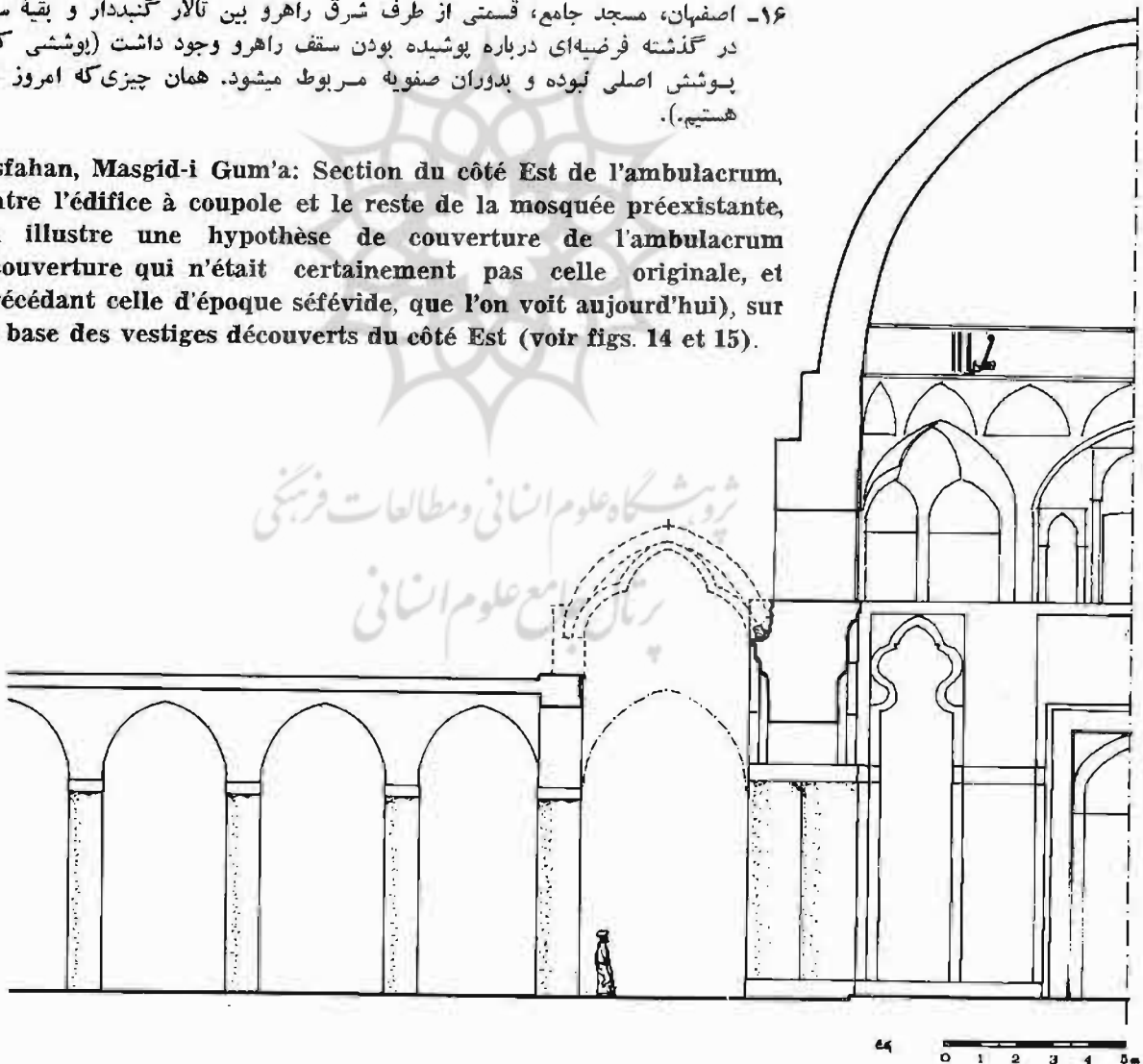
اکنون در کف زمین قرار دارد جزئی از شبکه قدیم شبستان‌های مسجد عربی بوده است. قوس‌هایی که مربوط به این ستون‌ها بوده‌اند قطع نشده‌اند (شکل ۹). متأسفانه در مورد این فرضیه از طرف مغرب نمیتوان تحقیقی بعمل آورد چون در آن مکان تمام ستون‌ها دست‌خورده‌اند. ولی اینکه این ستون‌ها نیز در وضع کنونی‌شان از جهت فشاری که ممکن بود بیاورند تقویت شده‌اند نیز دلیل دیگری بر قطع قوس‌هاست ۲۷.

آورده بودند فرضیه ما را تایید مینماید. بین مرحله ساختمانی دوران عباسی و زمان صفوی هیچ نوع تغییری در وضع این ساختمان‌ها بوجود نیامد. این خود نشان میدهد که در زمان سلجوقی احتیاجی نبود که اطراف این ستون را با آجر محکم کنند.

به عبارت دیگر ستون (ف ۵) که امروز نیز برجاست، و یاستون (ف ۶) که در عهد صفوی خراب شده و

۱۶- اصفهان، مسجد جامع، قسمتی از طرف شرق راهرو بین تالار گنبددار و بقیه ساختمان مسجد. در گذشته فرضیه‌ای درباره پوشیده بودن سقف راهرو وجود داشت (پوششی که بطور قطع پوششی اصلی نبوده و بدوران صفویه مربوط میشود. همان چیزی که امروز نیز شاهد آن هستیم).

FIG. 16- Esfahan, Masjid-i Gum'a: Section du côté Est de l'ambulacrum, entre l'édifice à coupole et le reste de la mosquée préexistante, on illustre une hypothèse de couverture de l'ambulacrum (couverture qui n'était certainement pas celle originale, et précédant celle d'époque séfévide, que l'on voit aujourd'hui), sur la base des vestiges découverts du côté Est (voir figs. 14 et 15).



گنبددار عمل کرده بودند تمام ستون‌های استوانه‌ای شکل را که لازم میشد ایوان در محل آنها ساخته شود خراب کنند. در نتیجه ستون‌های مربوط به قسمت جلوی تالار که در طرف شمال بود نیز خراب شد. احتمال دارد در دوران جدید تری دو راهروی رو باز مشرق و مغرب تالار نیز بصورت قرینه در ارتفاع زیاد پوشیده شده باشند، پوشش آنها شبیه به پوشش «ایوان شاگرد» (مشرق) یا پوشش اطاق‌های شماره ۷۱، ۷۲، ۷۳ بوده است. راهروی شرقی به ستون‌هایی که با آجر (۵) پوشانده شده‌اند تکیه داده شده است. همه اینها در زمان‌های بعد انجام گرفت ولی هنگام ساختمان تالار گنبددار هیچ اثری از پوشش‌های سنتی افقی یا قوس‌دار در نمای تالار که با شبکه ستون‌های قدیمی یا قسمت‌های اطراف آن ارتباطی داشته باشد بدست نیامد.^{۲۹}

در این مورد باید بخاطر داشت که سرستون‌های چهارقلو تالار گنبددار به عقیده اینجانب بمنزله مردود شمردن ارتباط بین دو قسمت

از ساختمان قدیم و جدید این مسجد است.^{۲۹} باید تذکر داد که ستون‌های قبلی در حال حاضر ۶ متر و نیم ارتفاع دارند و این بنظر من دلیل دیگری برای اجتناب از تطبیق اصول ساختمانی قدیم یا جدید بوده است. در واقع قوسی که بخواهد فاصله بین ساختمان ستون‌دار قدیمی و شبستان گنبددار را بهم متصل سازد باید در یکی از سطح‌های این دو ساختمان دیده شود. حتی اگر بخواهیم بپذیریم که برای این کار خلاف منطق و اصول ساختمانی قوسی بکار برده باشند، هیچ اثری از چنین قوسی مشاهده نشده است. ولی من توانستم آثار بسیار ضعیفی در کنار دیوار غربی تالار گنبددار پیدا کنم. این آثار در ارتفاع کتیبه‌ای که در فاصله ۱۰ متر از زمین قرار دارد مشاهده گردید (شکل ۱۴). ولی این آثار بدون شک از دوران جدیدتری است.^{۳۰} من فکر میکنم متعلق به اواخر قرن ۱۴ میلادی باشد (شکل ۱۶) و نظیرش همانطور که قبلاً گفتم در کنار دیوار «ایوان» نیز دیده میشود. این آثار در پیشطاق

در ارتفاع مناسبی قرار گرفته است. سه نمای این تالار که قرن‌ها از انظار پوشیده بودند امروز کاملاً دیده میشوند و میتوان آنها را بررسی کرد. وضع آنها سالم است و جای علامت مهرهای معمول در آن زمان در رویشان مشهود می‌باشد.

۴- وجود پلکان یاراهرو برای بازدید و تعمیر بنا: اگرچه این عنصری فرعی و دارای اهمیت کمتری است ولی از نظر مطالعه اصول ساختمانی اهمیت کافی دارد. وجود چنین راهروهایی در اطراف پوشش تالار و کنار گنبد در ضمن کاوش‌های سال ۱۹۷۴ کشف شد. ضمناً در داخل تالار راهرو از این قبیل کشف گردید.

مدخل راهروی اول تا اندازه‌ای معلوم بود و در گوشه جنوب شرقی بنا قرار داشت.^{۳۱} ولی بعداً این راهرو در قسمت بالا خراب شده بود در حالیکه قسمت پایین بصورت نیمه ویرانه بود. بنابراین ورود به آن و استفاده از آن امکان نداشت. دو راهروی دیگر در گوشه‌های شمال شرق و شمال غرب گنبد قرار

۲۷- نتایج بررسی‌های دیگر که فرضیه من را تأیید یا رد خواهند کرد در آینده اعلام خواهد شد.

۲۸- ساختمان ایوان جنوبی مقارن پایان حیات مستقل گنبد نظام‌الملک صورت می‌پذیرد. از آن زمان بعد گنبد با حفظ ارزش‌های معماری خود تنها نقش يك فضای داخلی را برعهده می‌گیرد.

۲۹- چنانکه بطور مثال ارتباط میان ایوان شمالی و بقیه بنای مسجد قبلی را مورد نظر قرار دهیم، بر روی نقشه انحراف کامل قوسهای نگهدارنده سقف را در طول ایوان در سمت شرق و غرب ملاحظه خواهیم کرد.

۳۰- باقیمانده ناچیزی از این آثار در محل کتیبه که تقریباً بطور کامل خراب شده (به تصویرهای ۱۴ و ۱۵ نگاه کنید) باقیمانده است، بنابراین آنها را نمی-

توان به نخستین پوشش احتمالی نسبت داد. اصولاً اینکه استخوان‌بندی پایه‌های پوشش اصلی دهلیز اطراف گنبد بر روی بخش ویران شده قسمت اصلی بنائی که به تازگی ساخته شده، استوار گشته باشد غیرقابل درک و نامفهوم بنظر میرسد.

۳۱- آقای اسمیت این پلکان را دیده بود و حتی نقشه آنرا هم تهیه کرده بود ولی آنرا منتشر نکرده بود.

۳۲- به سطح بالای پوشش مسجد به راحتی بوسیله پلکانی که کف را به بالای طاق مربوط می‌ساخت راه می‌یافتند. این پلکان ارتباطی بطور قابل ملاحظه‌ای بعد از ساختن ایوان در دوران ایلخانان وسعت یافت. يك بررسی عمیق مربوط به ارتباطهای عمودی در مسجد جامع در حال حاضر در دست بررسی است.

داشتند. پیش از اینکه بمطالعه جزئیات این راهروها پردازیم باید باین مطلب اشاره کنیم که این امر خود نشانه‌ای از این است که این گنبد بصورت مجزی و بدون اتصال با قسمت‌های قدیمی بنا ساخته شده است. در واقع اگر راهروی اطراف تالار پوشیده بود دیگر احتیاجی به وجود چنین پلکانی احساس نمیشد زیرا از روی بام راهروها میتوانستند قسمت‌های مختلف گنبد را بازدید نمایند^{۳۲}. وجود این سه پلکان برای این بوده است که استحکام لازم به گنبد نظام الملك داده شود. شکل ۱۷ وضع عجیب این سه پلکان را بخوبی نشان میدهد.

در واقع شباهت به سه بازوی صلیب شکسته‌ای دارند که بزبان فارسی «چهارلنگک» نامیده میشوند. تصور میکنم پلکان چهارمی نیز وجود داشته است ولی من اثری از آن نیافتم. باید توجه داشت که مدخل هر سه پلکان در ارتفاع ۱۵ متر و ۲۰ سانتیمتر از کف تالار قرار گرفته است.

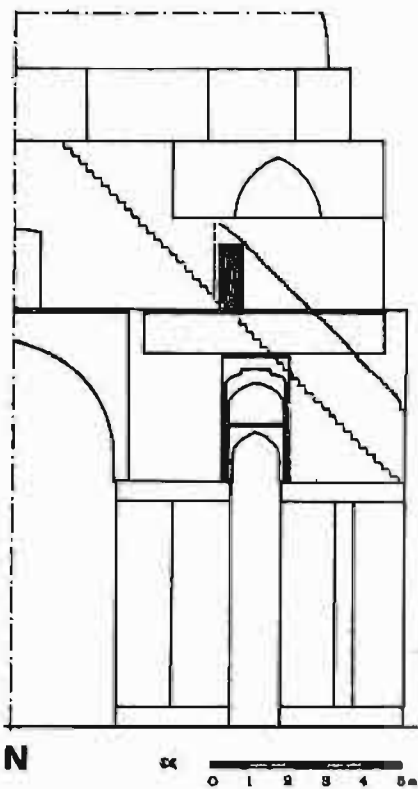
بنظر من این سه پلکان برای دو منظور ساخته شده‌اند: در آغاز بنای آنها با این قصد انجام گرفته تا امکان رفت و آمد در اطراف گنبد را هنگام ساخت آن برای کارگران و بنایان آسان سازند. مدت زمانی بعد وقتی تصمیم به ایجاد «اریانه» یا (تامبور) ۱۶ ضلعی در اطراف گنبد میگیرند، قسمت بالای پلکانها را مسدود میسازند و از این زمان ببعد پلکانهای سه‌گانه تغییر نقش میدهند. باین ترتیب که پلکان جنوب شرقی بحال خود رها میشود ولی دو پله دیگر برای بازدید و تمییر گنبد مورد استفاده قرار میگیرد و از آنجا

که پله‌های مزبور در قسمت بالا مسدود شده بودند ناچار میشوند چهار پله بالای آنها را در ارتفاع ۱۱ متری هم سطح با بالکن کوچک خارجی که در قبل از آن صحبت شد خراب کنند و راهی به خارج باز سازند.

مخرج پلکان شمال شرقی بیش از ۴۰ سانتیمتر نبود و مخرج پلکان شمال غربی از ۳ تا ۲ سانتیمتر تجاوز نمیکرد. باین طریق از راه این پلکان به پالکانه‌ای که در اطراف گنبد قرار داشت راه میافتند (شکل‌های ۱۸-۱۹-۲۰).

طی سالیان دراز داخل این پله‌ها از خاک و آجر و اشیاء دیگر پر شده بود^{۳۳} وقتی آنها را خالی کردیم برای ما امکان یافت که از آنها عبور کنیم و باین طریق به دونمای اصلی شمال قوس مرکزی راه یافتیم. این دو تما در نتیجه بنای ایوان قرن‌ها از انظار پوشیده مانده بودند^{۳۴}. ما قبلا گفتیم که مدخل پله‌ها در ارتفاع سرستون‌ها شروع میشود، در واقع بلافاصله دریابای سر ستون‌های گوشه‌های شمال شرقی و شمال غرب تالار گنبددار. این دو پلکان دو در کوچک چوبی نیز داشتند که احتمالا بطرف بیرون باز میشدند و با احتمال به وسیله تردبامی به آن راه میافتند^{۳۵}. بعدها درهای دوگانه را با مصالح بنائی مسدود میکنند و شاید که این امر به جهت ضرورت جنبه‌های استحکامی صورت گرفته باشد (۳۶). در این زمان امر بازرسی و مراقبت گنبد از راه پلکانهای دیگر و از جمله کناره‌های ایوان جنوبی میسر گردید.

من تصور میکنم اطلاعاتی که در اینجا دادم برای روشن ساختن وضع دهلیز و اطراف گنبد نظام-

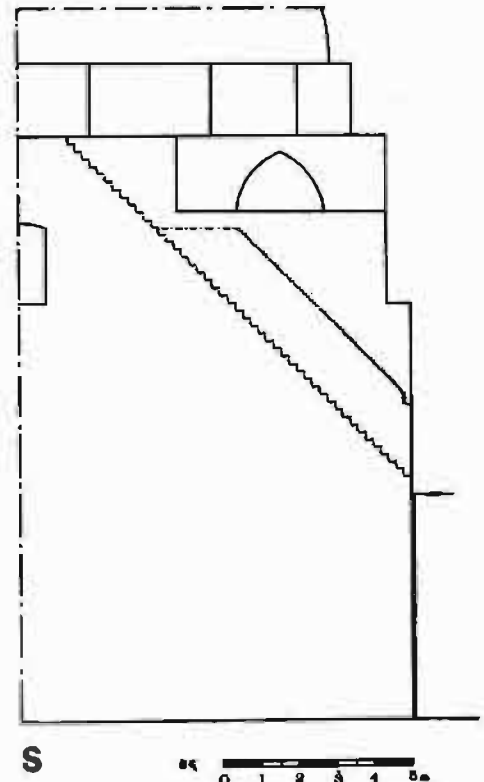


۱۸- اصفهان، مسجد جامع - نمای شرقی با پلکان داخلی

الملك و بطور غیرمستقیم نقش و وظیفه تالار گنبددار کافی باشد. ولی باید اضافه کنم که هنوز در این تالار مطالعاتی در دست انجام است که بزودی نتایج آن در اختیار علاقه‌مندان و محققان گذارده خواهد شد.

اصفهان مارس ۱۹۷۵

۴۰- اصفهان - مسجد جامع - نمای جنوبی با پلکان داخلی
 FIG. 18, 19, 20- Esfahan, Masjid-i Gum'a:
 Les façades du côté Sud, Est et Nord
 respectivement, avec l'escalier à l'intérieur.



۲۵- ورودی سومین پلکان، یعنی پلکان عقبی در ارتفاع ۶٫۵۰ متری در خارج بنا و با احتمال بسیار در همان سطحی قرار داشته که در گذشته دیوار انتهای مسجد واقع بوده است. (به جلد اول گلدیری، عکسهای ۱۹۰۴ و ۱۹۰۴ مراجعه شود).

شبهه این پلکان در بدنه جنوب شرقی گنبد جامع برسیان قرار دارد (ورودی این پلکان در سطح سر-ستونهای واقع در بخش تبدیل پلان چها رضلمی به هشت ضلعی قرار دارد).

این پلکان نیز در سال ۱۹۳۴ بسته میشود.

۳۶- وجود قسمت‌های خالی د راسکلت بنا در ارتباط با پلکان‌های سه‌گانه در گذشته موجب بوجود آمدن شکافهای موربی د ر سطح طاقچه‌های کوچک واقع بین ستونها شده بود. روی این ضایعات ر اگچ پوشانده بود و ما نتوانستیم علت اصلی آنها پیدا کنیم. تا اینکه پی بوجود این پله‌ها بردیم و معلوم شد علت این ضایعات وجود همان پله‌ها بوده است.

۱- در ترجمه یادداشتها در برخی موارد با حفظ مفهوم مطلب تا حدی رعایت اختصار شده است و از جمله آنکه گاه مرجع‌ها ذکر نشده یا بطور خلاصه بآنها اشاره شده است. بنابراین به محققان محترمی که قصد دارند با دید ژرف‌تری به مطالب این مقاله بنگرند جزئیات را مورد نظر قرار دهند توصیه میشود که به متن فرانسه یادداشتها مراجعه کنند.

۳۳- اشیائی که در این محل بدست آمد معرف اشیائی نبود که بتوان آنها را به دورانی بعد از صفویه نسبت داد. مطلبی که با قید احتیاط مشخص می‌سازد که بستن قطعی پلکانهای دوگانه بلافاصله بعد از تغییرات و تممیرات داخل ایوان و بخش‌های اطراف آن در زمان شاه سلیمان حدود ۱۷۰۰ میلادی انجام گرفته است.

۳۴- پس از مطالعه دقیق‌تری در نمای شمالی متوجه شدم که در برداشتن نقشه از طرف من اشتباهی رخ داده است و بنابراین طرحی که در مجلد اول کتاب خود داده‌ام کاملاً صحیح نیست و این مطلب در مجلد دوم تصحیح شده است.

قابل توجه: چون برخی از عکسهای این مقاله در متن فرانسه آن در بخش دوم این دفتر آورده شده است، برای مشاهده آنها به صفحه ۳۳ تا ۵۴ بخش لاتین مراجعه فرمائید.